



- سرشناسه : سلیمی تونی، حسن بن سلیمان، ۸۵۴ ق.
- عنوان قراردادی : دیوان.
- عنوان و نام پدیدآور : دیوان سلیمی تونی، سروده تاج الدین حسن بن سلیمان تونی / به کوشش عباس رستاخیز؛ با مقدمه حسن عاطفی.
- مشخصات نشر : تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
- مشخصات ظاهری : ۳۹۸ ص.
- شابک : 978-600-220-057-0
- وضعیت فهرست نویسی : فیا.
- موضوع : شعر فارسی -- قرن ۹ ق.
- موضوع : شعر مذهبی -- قرن ۹ ق.
- موضوع : مدیحه و مدیحه سرایی اهل بیت (ع).
- شناسه افزوده : رستاخیز، عباس، گردآورنده.
- شناسه افزوده : کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- رده بندی کنگره : PIR ۵۷۵۷/۳/۵۹ ۱۳۹۰:
- رده بندی دیویی : ۸۱ / ۳۳
- شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۰۹۳۱۳

دیوان سلیمی تونی

سروده تاج الدین حسن بن سلیمان تونی
(درگذشته ۸۵۴ق)

به کوشش

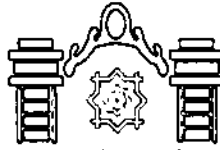
سید عباس رستاخیز

با مقدمه

حسن عاطفی

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران، ۱۳۹۰



کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
مجلس شورای اسلامی

دیوان سلیمی تونی
سروده تاج‌الدین حسن بن سلیمان تونی
(درگذشته ۸۵۴ق)
به کوشش: سیدعباس رستاخیز
با مقدمه: حسن عاطفی

نمایه ساز: مهری خلیلی
صفحه آرا: رضا علیمحمدی
قلم‌های استفاده شده: لوتوس زر یاقوت Times
کاغذ موزه استفاده: ۷۰ گرمی تحریر خارجی

شماره انتشار: ۲۶۸
ناظر چاپ: نیکی ایوبی‌زاده
چاپخانه: فرشیوه
لیتوگرافی: پارسین
صحافی: سلیمین
چاپ اول: ۳۹۰
شمارگان: ۱۰۰۰
بها: ۸۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-220-057-0

انتشارات و توزیع:
مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
خیابان انقلاب، مابین خیابان ابوریحان و دانشگاه، ساختمان فروردین
طبقه ۷، واحد ۲۷ و ۲۸؛ تلفن: ۲۱-۶۶۹۶۶۱۲۰
نشانی سایت اینترنتی: www.lcal.ir
نشانی پست الکترونیکی: pajooheshlib@yahoo.com

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه،
موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است.

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

حلقه‌ای ادبی از شاعران شیعی در خراسان غربی. طی نیمه دوم سده ۸ق تا نیمه نخست سده ۱۰ق وجود دارد که بدون شک، یکی از مهمترین، مرتبط‌ترین و منظم‌ترین حلقه‌های ادبی با محور ادبیات شیعی در طول تاریخ است. البته شعر عربی - شیعی در سده‌های ۲ - ۳ق در عراق، چنان تجربه‌ای را داشت که بعدها در دوره حمدانیان نیز چنین حلقه‌ای در شام پدید آمد.

اما در خراسان قرون یاده شده، این حلقه بسیار فعال، با ارائه مضامین مشترک، نگاه تبلیغی برای اهل بیت و تشیع در میان قوده‌های مردم، و همزمان با استفاده از تمام ظرفیت‌های ادبی که در طول قرون در خراسان وجود داشت، خود را ظاهر ساخت.

در این میانه و یا به عبارتی در آغاز راه در تشکیل این حلقه ادبی، شیخ حسن کاشی (متوفای دهه سوم سده ۸ق) بیرون از این حلقه بود، گرچه او هم به مشهد رفت و آمد داشت، اما تأثیر او در حلقه مزبور بسیار جدی است. این حلقه در دوره‌ای که خراسان آشفته شد و نزاع بین صفویان و ازبکها در گرفت، آسیب فراوان دید. پیش از آن نیز تیموریان بویژه دربار سلطان حسین بایقرا، و بیشتر تحت نفوذ امیرعلیشیر، فعالیت جدی برای جلوگیری از آن در بخش شرقی خراسان داشت، اما هر چه بود، میراثی عظیم از آن برجا ماند.

شاعرانی چون آذری اسفراینی، لطف‌الله نیشابوری، سلیمی تونی و نظام استرآبادی - که استرآبادیان را هم در آن دوره باید خراسانی دانست - از آن جمله بودند. زهرا بلکه صدها شاعر دیگر از تک تک روستاهای این نواحی برخاستند که عشق آنان در سرایش اشعار، بیان منقبت امام علی و دیگر اهل بیت و بویژه امام رضا بود که او را با عنوان قطب خراسان می‌شناختند.

این حلقه ادبی، دانش ادبی و تاریخی خوبی داشت و در حیطه دانش خود تلاش می‌کرد تا شعر آیینی را محور قرار داده و با حمایت از هم‌مطرازان خود و استقبال از اشعار آنان، دین خود را نسبت به اهل بیت و تشیع ادا کند. اگر فهرست نام شاعرانی را که اشعارشان در جنگهای جالب برجای مانده از سده‌های ۹ - ۱۰ آمده است، مرور کنیم، می‌توانیم این حلقه ادبی را بهتر

بشناسیم و از وجود آن و گسترهٔ عظیمش آگاهیهای بیشتری به دست آوریم. نویسندهٔ این سطور، توفیق نشر نسخهٔ عکسی دیوان لطف‌الله نیشابوری را داشته و پیش از آن نیز به طور پراکنده، تبّعی در احوال این قبیل شاعران کرده است. مرور بر برخی از این جنگها در پایان مقدمه‌ای که برای دیوان لطف‌الله نیشابوری نوشته‌ام، می‌تواند اشارتی به این حلقهٔ ادبی و ابعاد آن باشد.

سلیمی تونی، یکی از استوانه‌های اصلی این حلقهٔ ادبی است، شاعری که شیفتهٔ حسن کاشی است و برای همین، چون او، بخش عمدهٔ توان شاعری خویش را در منقبت امام علی - علیه السلام - صرف کرده است.

آرزوی ما این بود که این چند دیوان در سلسلهٔ انتشارات کتابخانه منتشر شود و خداوند این توفیق را نصیب کرد و امروز پس از نشر دیوان حسن کاشی، دیوان آذری، دیوان لطف‌الله نیشابوری، شاهد انتشار اثری دیگر، بلکه یکی از بهترین آثار از محصولات این حلقهٔ ادبی شیعی هستیم. تحقق این آرزو، استجابت دعای قلبی ماست.

سلیمی تونی، نه تنها در حیطهٔ منقبت، بلکه در حیطهٔ فقه و آوردن آن به حوزهٔ ادب منظوم نیز سهم بوده و همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید، بخشی از دیوان وی در این زمینه است.

از جناب آقای رستاخیز که این دیوان را عرضه کردند، و استاد حسن عاطفی که مقدمه بر آن نوشتند، از صمیم دل سپاسگزاری می‌کنم. از تلاش دوستانمان در مرکز پژوهش و انتشارات، بویژه جناب آقای بهروز ایمانی، آقای کاظم آل رضا و نیکی ایوبی‌زاده نیز تشکر می‌نمایم.

رسول جعفریان

رئیس کتابخانه دوزده و مرکز

اسناد مجلس شورای اسلامی

فهرست مطالب

پیشگفتار	بیست و یک
روش تصحیح	بیست و چهار
مقدمه / حسن عاطفی	بیست و پنج
سلیمی	سی و چهار
سفرهای شاعر	چهل و یک
سخن برخی تذکره‌نویسان درباره سلیمی	چهل و سه
۱. عرفات العاشعین	چهل و چهار
۲. آشکده آذر	چهل و چهار
دیوان سیمی و چگونگی اشعار او	چهل و شش
استقبالیهای شاعر از حسن کاشی و دیگران	چهل و هفت
هفت بند ملا حسن کاشی	چهل و هفت
واژه‌ها و برخی ترکیبات سلیمی	پنجاه و دو
برخی از نکات دستوری دیوان سلیمی	پنجاه و چهار
آرایه‌های ادبی	پنجاه و پنج
انواع جناس	پنجاه و هشت

قصاید

۱. در نعت پیامبر (ص) و چهارده معصوم (ع)

۳

۲. در نعت پیامبر (ص) و منقبت امیرالمؤمنین علی (ع) ۵
۳. در مشهد مقدس سید الشهداء امام حسین (ع) گفته شده ۸
۴. ولایت نامه در مناقب امیرالمؤمنین علی (ع) ۱۰
۵. در مدح سلطان اولیا ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) ۱۸
۶. در مدح علی بن موسی الرضا (ع) ۲۰
۷. معجزاتی از حضرت رسول (ص) که در مهمانی جابر انصاری ظاهر گشته ۲۳
۸. ولایت نامه از امیرالمؤمنین علی (ع) ۳۲
۹. ولایت نامه از امیرالمؤمنین علی (ع) ۴۱
۱۰. ولایت نامه در منقبت امیرالمؤمنین علی (ع) ۵۶
۱۱. قصیده در شهادت امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) ۶۴
۱۲. المسجع فی بحر المتدارک در مدح امیرالمؤمنین علی (ع) ۷۵
۱۳. در جواب افضل المادحین مولانا حسن کاشی در مناقب امیرالمؤمنین علی (ع) ۷۶
۱۴. در نعت حضرت پیامبر (ص) و مدح ائمه (ع) ۷۸
۱۵. قصیده غدیریہ ۷۹
۱۶. قصیده در جواب مولانا لطف الله ۸۲
۱۷. مرثیه امیرالمؤمنین حسین (ع) ۸۴
۱۸. در منقبت امیرالمؤمنین علی (ع) ۸۵
۱۹. در توحید و نعت پیامبر (ص) ۸۶
۲۰. در وقت عزیمت مشهد مقدس امیرالمؤمنین علی (ع) گفته شده است ۸۸
۲۱. در تتبع مولانا خواجو رحمة الله علیه ۹۲
۲۲. المسجع فی بحر المتقارب در مدح امیرالمؤمنین (ع) ۹۳
۲۳. مسجع مثنی در مدح شاه اولیا علی (ع) ۹۶
۲۴. در بحر کامل مرسل در منقبت امیرالمؤمنین علی (ع) ۹۹
۲۵. داستان صدقه دادن انار از امیرالمؤمنین علی (ع) ۱۰۰
۲۶. ولایت نامه امیرالمؤمنین علی (ع) در مسخ شدن قاضی ۱۰۱
۲۷. در فضایل اهل البيت عليهم الصلوة والسلام و مسخ شدن مؤذن ۱۰۵
۲۸. قصیده در ولایت نامه حضرت علی (ع) ۱۱۰
۲۹. ولایت نامه از ولایات حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) ۱۱۹

۳۰.	ولایت نامه از امیر المؤمنین علی (ع)	۱۲۲
۳۱.	ولایت نامه از حضرت علی بن ابیطالب (ع)	۱۲۷
۳۲.	ولایت نامه از امیر المؤمنین علی (ع)	۱۳۶
۳۳.	قصیده جامع الولايات	۱۴۰
۳۴.	قصیده در مدح و مناقب امیر المؤمنین علی (ع) به التزام اشتر و حجره	۱۵۸
۳۵.	در تتبع مولانا حسن کاشی به وقت عزیمت مشهد امیر المؤمنین علی (ع)	۱۵۹
۳۶.	در منقبت ائمه معصومین (ع)	۱۶۲
۳۷.	در منقبت سلطان اولیا علی بن موسی الرضا (ع)	۱۶۷
۳۸.	در وقت بیرون رفتن از نجف اشرف گفته شده است	۱۶۹
۳۹.	در جواب کاشی به مدح و منقبت امیر المؤمنین (ع)	۱۷۱
۴۰.	در جواب مولانا حسن کاشی در نعت پیامبر و مدح امیر المؤمنین	۱۷۲
۴۱.	به تتبع کاشی در مدح منقبت امیر المؤمنین علی (ع)	۱۷۳
۴۲.	به تتبع کاشی به مدح امیر المؤمنین علی (ع)	۱۷۵
۴۳.	در جواب مولانا حسن کاشی در نعت پیامبر و منقبت امیر المؤمنین علی (ع)	۱۷۹
۴۴.	قصیده در ولایت امیر المؤمنین علی (ع)	۱۸۰
۴۵.	در توحید باری تعالی	۱۸۷
۴۶.	در مدح امیر المؤمنین علی (ع)	۱۸۹
۴۷.	قصیده در مدح امیر المؤمنین علی (ع)	۱۹۰
۴۸.	قصیده در ولایت نامه امام زین العابدین (ع)	۱۹۱
۴۹.	در اسرار نماز و معرفت ائمه (ع)	۱۹۴
۵۰.	داستان شهادت مذاخ بلخی در مصر و زنده گشتن آن	۱۹۶
۵۱.	ولایت نامه از امیر المؤمنین علی (ع)	۲۰۴
۵۲.	در توحید باری تعالی	۲۱۰
۵۳.	ولایت نامه امیر المؤمنین علی (ع)	۲۱۲
۵۴.	در جواب مولانا حسن کاشی در منقبت امیر المؤمنین علی (ع)	۲۱۶
۵۵.	در مدح امیر المؤمنین علی (ع)	۲۱۹
۵۶.	در مناقب امیر المؤمنین علی (ع)	۲۲۰
۵۷.	ولایت نامه امیر المؤمنین علی (ع)	۲۲۳

۵۸. قصیده در ولایت نامه امیر المؤمنین (ع) گردانیدن آب فرات ۲۲۹
۵۹. ولایت نامه امیر المؤمنین علی (ع) ۲۳۱
۶۰. ولایت نامه از امیر المؤمنین علی (ع) در فرمان کردن جماعت نحل ۲۳۸
۶۱. در مدح و مناقب امیر المؤمنین علی (ع) ۲۴۲
۶۲. در منقبت امیر المؤمنین علی (ع) ۲۴۵
۶۳. ولایت نامه از امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) ۲۴۶
۶۴. قصیده در مدح امیر المؤمنین علی (ع) در تتبع خواجوی کرمانی ۲۴۹
۶۵. در بحر مثنی در مناقب امیر المؤمنین علی (ع) ۲۵۱
۶۶. المسجع در مدح امام علی (ع) ۲۵۲
۶۷. در مناقب امیر المؤمنین علی (ع) ۲۵۴
- ترکیب بندها و مستظها ۲۵۷
۱. هفت بند در تتبع مولانا حسن کاشی ۲۵۹
۲. مرثیه سید الشهداء امام حسین (ع) ۲۶۵
۳. در احوال ولادت امام زمان (ع) و علائم ظهور آن حضرت ۲۶۷
۴. تضمین بر قصیده سلمان ساوجی در مدح و مصیبت حضرت امام حسین (ع) ۲۷۹
۵. مثنی در مناقب امیر المؤمنین علی (ع) ۲۸۲
۶. مخمس در مناقب ائمه (ع) ۲۸۶
- ولایت نامه ها و مثنوی ها ۲۸۹
۱. در احوال قیامت و صور اسرافیل از تفسیر کلام الله و حدیث مصطفوی (ص) ۲۹۱
۲. ولایت نامه امیر المؤمنین (ع) ۲۹۷
۳. ولایت نامه در ولادت امیر المؤمنین علی (ع) ۳۰۰
۴. در معجزه حضرت محمد مصطفی (ص) ۳۱۳
۵. در احوال امام زمان (عج) ۳۱۹
- حزب النجاة فی نظم الواجبات ۳۲۷
- در توحید ۳۲۹

۳۳۰	در نبوت حضرت رسالت پناه
۳۳۰	در امامت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع)
۳۳۱	در بیان اصول دین و مذهب
۳۳۱	در بیان فروع دین
۳۳۱	در ارکان نماز
۳۳۱	در بیان مقدمات طهارت
۳۳۱	آنچه پیش از نماز واجب است
۳۳۲	قطعه در نجاسات
۳۳۲	قطعه در مطهرات
۳۳۲	قطعه در غسل جنابت
۳۳۲	آنچه بر جنب حرام است
۳۳۳	بیان مبطلات وضو
۳۳۳	قطعه در واجبات وضو
۳۳۳	در واجبات تیمم
۳۳۴	قطعه در آنچه وضو باطل کند غسل واجب آورد
۳۳۴	قطعه در عددهای نمازهای شبانه روزی
۳۳۴	قطعه در عددهای نمازهای فرض
۳۳۴	قطعه در واجبات نیت نماز
۳۳۶	قطعه در آنچه نماز را برد
۳۳۶	قطعه در شرایط قصر نماز
۳۳۷	قطعه در بیان سهوهای نماز
۳۳۷	در بیان سهوی که نماز را باید از سر گرفت
۳۳۷	قطعه در بیان سهو که او را هیچ حکمی نبود
۳۳۷	قطعه در بیان سهوی که تلافی آن چیست
۳۳۸	قطعه در بیان سهوی که نماز احتیاط باید کرد
۳۳۹	قطعه در سهوی که جبران دو سجده باید کرد
۳۳۹	قطعه در باب صوم
۳۳۹	قطعه در نیت روزه

۳۳۹	قطعه در بیان مبطلات روزه
۳۴۰	قطعه در آن چه قضاء کفاره واجب شود
۳۴۱	قطعه در آن چه قضا واجب شود و کفاره
۳۴۱	قطعه در حکم روزه‌های قضا
۳۴۱	قطعه در حکم کفاره روزه
۳۴۱	قطعه در روزه نذر
۳۴۱	قطعه در شرایط زکات
۳۴۲	قطعه در زکاة شتر
۳۴۲	قطعه در آن چه زکاة بر آن واجب است
۳۴۲	قطعه در زکات گاو
۳۴۲	قطعه در زکات گوسفند
۳۴۲	قطعه در زر مسکوک
۳۴۳	نصاب طلا
۳۴۳	نصاب غله
۳۴۳	زکات فطره
۳۴۳	قطعه در زکات خمس
۳۴۴	قطعه در آن چه خمس واجب است
۳۴۴	قطعه در اقسام حج
۳۴۴	خاتمه الکتاب
۳۴۵	قصاید کوتاه و قطعات
۳۴۷	۱. در نعت رسول اکرم (ص)
۳۴۸	۲. قطعه در حکمت
۳۴۸	۳. قطعه در حکمت و موعظه
۳۴۹	۴. در منقبت حضرت امیر المؤمنین علی (ع)
۳۵۰	۵. در منقبت امام علی (ع)
۳۵۰	۶. در منقبت امیر المؤمنین علی (ع)
۳۵۱	۷. در نعت رسول اکرم (ص)

۳۵۲	۸. در نعت رسول اکرم (ص)
۳۵۲	۹. در نعت آل محسن (ص)
۳۵۳	۱۰. در مصیبت سید شهید امام حسین (ع)
۳۵۴	۱۱. در مصیبت شهید کربلا امام حسین (ع)
۳۵۵	۱۲. در هنگام ورود در حرم امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) گفته شده است
۳۵۶	۱۳. در توحید باری تعالی
۳۵۷	۱۴. در منقبت امیر المؤمنین علی (ع)
۳۵۷	۱۵. قصیده ناتمام در مدح علی بن موسی الرضا (ع)
۳۵۸	۱۶. در توحید باری تعالی
۳۵۹	۱۷. در منقبت امیر المؤمنین علی (ع)
۳۵۹	۱۸. قصیده ناقص در مدح و منقبت امام هشتم (ع)
۳۶۰	۱۹. قطعه در حکمت و هیبت
۳۶۰	۲۰. در توحید باری تعالی
۳۶۱	۲۱. در منقبت امیر المؤمنین علی (ع)
۳۶۲	۲۲. در منقبت امیر المؤمنین علی (ع)
۳۶۳	۲۳. در منقبت امیر المؤمنین علی (ع)
۳۶۳	۲۴. در منقبت امام علی (ع)
۳۶۴	۲۵. در منقبت امیر المؤمنین علی (ع)
۳۶۴	۲۶. در منقبت امیر المؤمنین علی (ع)
۳۶۵	۲۷. در منقبت امیر المؤمنین علی (ع)
۳۶۷	تصویر نسخه‌های خطی
۳۸۱	نمایه‌ها
۳۸۳	نامها
۳۹۱	جایها
۳۹۳	کتابنامه

قصاید

۱. السّلام ائی سید کونین و ختم انبیا ۲
۲. ثنا و حمد گویم خالق را ۵
۳. صلّ علی ولی حقّ فیه عین مصطفی ۸
۴. سحرگز جانب مشرق برآمد رایت بیضا ۱۰
۵. این روضه مقدس و این کعبه صفا ۱۸
۶. ای بارگاه عزّت، افرشته سر بر سما ۲۰
۷. ابتدای کارها چون هست بر نام خدا ۲۳
۸. بِاسْمِکَ اللَّهُمَّ یا خَلّاقِ أَصْنافِ الْوَرَى ۳۲
۹. چون گشاد جسله مشکل هاست بر نام خدا ۴۱
۱۰. ای دل از داری هوای مروه و اهل صفا ۵۶
۱۱. بِاسْمِ رَبِّی مُبْدِعِ الْأَشْیاءِ خَلّاقِ الْوَرَى ۶۴
۱۲. یا علی العلاء یا ولی الولا یا شفیع الوری، یا کثیر العطا ۷۵
۱۳. والی دین مرتضی هست ولی خدا ۷۶
۱۴. یا رب به حقّ مصطفی سلطانِ تختِ اصطفای ۷۸
۱۵. سُبْحانَ مَنْ تَقَدَّسَ بِالْعِزِّ وَ الْعِلا ۷۹
۱۶. هر سحر چون بر فرازد رایت زر آفتاب ۸۲
۱۷. این بارگاه شاه شهیدان کربلاست ۸۴
۱۸. تا مرا از فضل یزدان نیم جانی در تن است ۸۵
۱۹. زبان گشای به شکر و سپاس حقّ و دود ۸۶
۲۰. دل به عزم خاک بوس کوی جانان می رود ۸۸

۲۱. بر جان ما محبت حیدر نوشته‌اند..... ۹۲
۲۲. خداوند اکبر، جهاندار داور، منزّه مطهّر، ز جسم و ز جوهر..... ۹۳
۲۳. ای سر و سرّور، هادی و رهبر، حیدر صفدر، شاه دلاور..... ۹۶
۲۴. زیان گشایم، به شکر داور، حکیم دانا، قدیم اکبر..... ۹۹
۲۵. کیست دانی قسیم جنت و نار..... ۱۰۰
۲۶. بدو گفتم که ای ملعون چرا این ناسزا گویی..... ۱۰۱
۲۷. به شکر آنکه ترا هست قدرت گفتار..... ۱۰۵
۲۸. اوّل نامه به نام حضرت پروردگار..... ۱۱۰
۲۹. هر که او را در ازل بخت و سعادت گشت یار..... ۱۱۹
۳۰. به نام قادر قیوم اکبر..... ۱۲۴
۳۱. به نام آنکه سخن آفرید و طبع سخنور..... ۱۲۷
۳۲. به نام آنکه به در حرفا کردو، یک گفتار..... ۱۳۶
۳۳. تبارک الله از آثار صانع اکبر..... ۱۴۰
۳۴. بار تو می‌کشم چو شتر بر دل ای نگار..... ۱۵۸
۳۵. شکر بی حدّ و منت بی مر..... ۱۵۹
۳۶. اوّل نامه به نام ایزد حقّ قدیر..... ۱۶۲
۳۷. صباح عید چون با رایت سیمین و چتر زر..... ۱۶۷
۳۸. الوداع ای قلبه دل، کعبه جان، الوداع..... ۱۶۹
۳۹. زهی ستوده خدایت به گونه گون اوصاف..... ۱۷۱
۴۰. ای سدّه رفیع ترا عرش در کنف..... ۱۷۲
۴۱. نماز شام کز این برکشیده طارم ازرق..... ۱۷۳
۴۲. ای فروزان آفتاب عزّت از اوج کمال..... ۱۷۵
۴۳. در ابتدای سخن نام ایزد متعال..... ۱۷۹
۴۴. آنکه مشیت خاک را او می‌دهد حسن و جمال..... ۱۸۰
۴۵. اوّل هر نامه بسم الله الرحمن الرحیم..... ۱۸۷
۴۶. زهی ذات نور تو حقّ قدیم..... ۱۸۹
۴۷. منم آنکه مولای آل عبايم..... ۱۹۰
۴۸. گر همی خواهی که یابی دولّت دنیا و دین..... ۱۹۱

۴۹	روى طاعت بر زمين داراى دل ار هستى به جان	۱۹۴
۵۰	تاكه باشد بر دهان گویا زبان مدح خوان	۱۹۶
۵۱	بنا كردم ايا مرد سخندان	۲۰۴
۵۲	زهى ياد تو نقش صفحه جان	۲۱۰
۵۳	تبارك الله از آثار قدرت بزدان	۲۱۲
۵۴	الا اى مؤمن صادق اگر حق گويى و حق دان	۲۱۶
۵۵	در ازل چون آفرید ایزد به قدرت جان من	۲۱۹
۵۶	اى بارگرم قدر تو بالاتر از عرش برین	۲۲۰
۵۷	اى كه داری میل این، ویرانه سفلى خاکدان	۲۲۳
۵۸	آب حیات ما كه شود تازه و روان	۲۲۹
۵۹	تعالى الله زهى آثار صنع قدرت بزدان	۲۳۱
۶۰	مرا پیوسته تا در كنج خود جان	۲۳۸
۶۱	چهار شاه كه هستند اصل خلقت انسان	۲۴۲
۶۲	شاه مردان میر دین، حیدر امیر المؤمنین	۲۴۵
۶۳	اى دل به مدح قبله هفتم گشا زبان	۲۴۶
۶۴	نگارا روز عید آمد بیازا آشت و حجره	۲۴۹
۶۵	سخن سازم ابتدا، به نام یكى خدا، كه او ساخت خلق را، طفیل دو مقتدا	۲۵۱
۶۶	اى ز جلالت، بر همه عالم، حكم ترا حق داده روانی	۲۵۲
۶۷	والى دین ولى خدا، مرتضى، على	۲۵۴

تركيب بندها و مسطها

۱	السلام اى آفتاب آسمان شرع و دین	۲۵۹
۲	اى دل گرت محبت آل محمد است	۲۶۵
۳	به نوک خامه سرنامه ساز نام خدا	۲۶۷
۴	اى دل این ساعت كه جایت كریلای پریلاست	۲۷۹
۵	ايا مؤمن از عالم و عاقلی	۲۸۲
۶	به شكر و حمد حكیمى كنم اساس سخن	۲۸۶

قصاید کوتاه و قطعات

۱. هر که از جان شد محب خاندان مصطفی ۳۴۷
۲. شبی در کنج غم از غایت سرگشتگی خود ۳۴۸
۳. بر این گردون دون پرور ز روی طعن می گفتم ۳۴۸
۴. شیر جبار، مرتضی علی است ۳۴۹
۵. در جهان جلال شاه علی است ۳۵۰
۶. سپاس و شکر خداوند را که کرد هدایت ۳۵۰
۷. دیده جان عاشق جمال محمد ۳۵۱
۸. عرش نشان ز اقتدار محمد ۳۵۲
۹. مرا که ورد زبان است نام آل محمد ۳۵۲
۱۰. زهرا به محشر نهد با جوریان سیه پوش ۳۵۳
۱۱. چه؟ کربلاست امروز؟ چه؟ کربلاست امروز؟ ۳۵۴
۱۲. روی از آن آورده اند، خلق بلین در که هست ۳۵۵
۱۳. صفا و نور ز حسن صفات می خواهیم ۳۵۶
۱۴. مرا به بحر ولای چهارده معصوم ۳۵۷
۱۵. ای حرم دلستان کعبه اهل یقین ۳۵۷
۱۶. ای به درگاه تو نیاز همه ۳۵۸
۱۷. منم مولای شاه الحمد لله ۳۵۹
۱۸. قرب آن داده خدا حد تراکز روی شوق ۳۵۹
۱۹. ای خواجه گرد منصب دیوانیان مگرد ۳۶۰
۲۰. کلید قفل زبان، لا اله الا الله ۳۶۰
۲۱. امین کشور ایمان، علی ولی الله ۳۶۱
۲۲. منم ز جان شده مولای خاندان علی ۳۶۲
۲۳. قدرت جبار علی، کاشف اسرار علی ۳۶۳
۲۴. تا به کی جان جهان از پی دنیاگردی ۳۶۳
۲۵. ای ز راه قدر و قدرت عالی و اعلا علی ۳۶۴
۲۶. ای کعبه مولد و حرم مرتضی علی ۳۶۴
۲۷. مست می محبتیم، از کف ساغر علی ۳۶۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

کتابی که پیش روی شماست؛ دیوان اشعار تاج الدین حسن بن سلیمان سلیمی تونی، شاعر و نویسنده نیمه اول سده ۹ ق. است. بخش عمده سروده‌های این شاعر گرانقدر را در سال ۱۳۸۶ تصحیح نموده، ضمیمه جلد سوم منتخب الاشعار فی مناقب الابرار نموده بودم. بنا به پیشنهاد استاد محترم، جناب آقای رسول جعفریان، دیگر بار به جمع آوری و تدوین اشعار دیگر این شاعر قصیده سرای ولایی اقدام نمودم. اگرچه از این شاعر برجسته در هیچ یک از کتابخانه‌های شناخته شده جمهوری اسلامی ایران و خارج از ایران تاکنون دیوان کامل فهرست و شناسایی نشده است. با این حال، آنچه در این مجموعه گردآمده، به صورت پراکنده در مجموعه‌های مختلف شعری وجود داشت که به صورت کنونی جمع آوری و تصحیح شده و به عنوان یک دیوان کامل به علاقمندان شعر و ادب فارسی تقدیم شده است.

مهم‌ترین منابع و مآخذ این مجموعه، عبارتند از چهار نسخه خطی که اکنون به معرفی آنها می‌پردازیم:

۱. جُنگ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۷۵۹۴. این نسخه در رمضان ۹۰۲ ق تدوین یافته است که شامل دیوان ملا لطف الله نیشابوری، حسن کاشی، سلیمی تونی و غیره می‌باشد. اشعار سلیمی تونی از نصف دوم این مجموعه آغاز و تا پایان ادامه دارد. این نسخه از لحاظ قدمت و کیفیت کتابت دارای اهمیت خاص بوده،

اکثر قصاید، ترکیب بندها و مثنوی‌ها را شامل می‌شود. از این جهت این نسخه را محور و اساس کار قرار دادیم.

در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۶، ص ۹۴-۹۵ تألیف علی صدرائی خویی پیرامون ویژگیهای این مجموعه چنین آمده است:

نستعلیق، رساله اول بی‌کا، ۱۵ رمضان ۹۰۲، رساله دوم فتح الله بن عبدالله بن محمد متطبب، رجب ۹۰۲، عناوین و نشانه‌های شنگرف؛ در اول نسخه تاریخ تولد اسدالله بن شیخ محمد علی در منتصف ربیع ۱۱۲۲، جلد تیماج، زرد، ضریبی، ترنج با نقش گل، مجدول.

۲۲۴ برگ؛ ۱۷ × ۲۳/۵ سانتی‌متر؛ ۱۷ سطر.

۲. خزائن القصیده، نسخه خطی شماره ۴۹۹۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. این اثر مجموعه اشعار شاعران فارسی زبان است که به نام سلطان حسین بهادرخان و امیر بابامحمود نگاشته شده است. در دیباچه آن، بعد از ذکر نام سلطان بهادرخان و امیر بابامحمود می‌نویسد که پادشاه دستور نوشتن کتابی مشتمل بر قصائد متین متقدمین و متأخرین را داده است. پس گفته شده که این کتاب بر وجه انتخاب مرقوم گشت، به خزائن القصیده که تاریخ این سال است، موسوم شد.

لازم به ذکر است که چهار قصیده از سلیمی تونی در حاشیه این نسخه ثبت شده است که نسخه‌های چندگانه دیگر فاقد آن بود.

در جلد ۱۴ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی در ویژگیهای این کتاب چنین نگاشته شده است:

خط نستعلیق، سطر ۱۴ - ۲۰ × ۱۱، جلد تیماج زرکوب، ضریبی قرمز، دارای سرلوح لاجورد زرین شنگرف سبز مشکی، جدول و کمند و ستونها زرین و مشکی، عنوان‌ها شنگرف، اشعار در متن و حاشیه، در پشت صفحه اول یادداشت کتابشناسی، کاغذ خان بالغ.

۳. مجموعه خطی، شامل قصاید و غزلیات فارسی، در توحید، موعظه و مدح چهارده معصوم (ع) که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۶۰۹ نگهداری می‌شود. در این مجموعه که در سده ۹ ق تنظیم شده، اشعار شاعران گمنامی درج شده

که در جای دیگر معرفی نشده‌اند.

اوراق این نسخه در صحافی جابه جا گردیده و آسیب جبران ناپذیری به آن وارد شده است. فهرست موضوعات اشعار و نام شاعرانی که در این جنگ ذکر شده عبارتند از: افجنگی، ابن سراجی، سلیمی تونی، جلال جعفری، کمال غیاث شیرازی، علی حجازی، حمزه کوچک، عطار نیشابوری، جمال ساوجی، ابن حسام خوشفی، مولانا حسن کاشی و غیره....

خط: نستعلیق؛ بی‌کا، عناوین شنگرف و زرین و لاجوردی. تمام صفحات جدول زرین و لاجوردی؛ تمام اوراق نسخه در وسط برگ‌های جدید وصالی شده؛ جلد: تیماج، قهوه‌ای، سوخت، تزیین مذهب با نقش گل و بلبل، مجدول مذهب. ۲۳۸ برگ؛ ۱۶/۵ × ۲۵/۵ سانتی متر؛ ۱۱ سطر.

۴. جنگ اشعار، که عبداللطیف بن علی واعظ لطیفی بیرجندی در سال ۹۲۵ ق گردآوری کرده و در چهارده باب تنظیم نموده. باب اول در مناجات، توحید است. باب دوم در نعت پیامبر اکرم، و باقی ابواب در مدح و منقبت ائمه دوازده گانه تنظیم شده. نسخه خطی این جنگ به شماره ۵۱۷ در کتابخانه مجلس سنا محفوظ است.

شاعرانی که در این مجموعه ذکر شده عبارتند از: محمد بن حسام خوشفی، حسن سلیمی، میر حاج هروی، مولانا علی قدسی هروی، مولانا حسن کاشی، ابوالمفاخر رازی، لطف الله نیشابوری و غیره...

خط: نستعلیق سده ۱۰. عنوان و رقم شنگرف، در ۱۴۵ برگ ۲۳-۱۷ سطر. اندازه ۷ × ۱۲ × ۲۰ کاغذ سفید اصفهانی. جلد تیماج تریاکی ضربی مقوایی.

۵. واجبات منظوم، در احکام طهارت، نماز، روزه، زکات، خمس و حج، نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۹۳۰۰. در آغاز منظومه چند بیت در اصول دین نیز آمده است بسیار فشرده و در یکصد و نود هشت بیت، به خط نستعلیق از سده ۱۴ ق. عنوان شنگرف در پایان مهر بیضوی «محمد شفیع» دیده می‌شود، جلد مقوایی عطف تیماج قرمز در ۱۰۳ برگ ۱۵ سطر، ۱۴ × ۲۰/۵ سم.

۶. حرز النجاة فی نظم الواجبات: نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۲۶۳۶. منظومه‌ای است که شاعر در آن واجبات شرعی را از اصول و فروع دین به نظم کشیده است. او در آغاز مقدمه‌ای به نثر آورده و پس از آن اصول و فروع دین را در ۲۰۰ بیت با شعر بیان نموده است.

روش تصحیح

چنانکه اشاره شد در تصحیح انتقادی این متن از چهار نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی استفاده شده است. اگر چه نسخه نخست، اساس کار قرار گرفته، اما به دلیل برخی اختلافات و افتادگی اوراق صد در صد قابل اعتماد نیست، در برخی موارد اوراق یا کلماتی از نسخه افتاده است که از نسخه‌های چندگانه فوق‌الذکر کمک جسته‌ایم.

در ضمن از چندین جنگ و مجموعه‌های خطی دیگر برای اصلاح برخی اختلافات و ناخوانی‌های ابیات استفاده کرده‌ایم که مشخصات آن‌ها را در کتابنامه ارجاع داده‌ایم. منبع و مآخذ قصایدی که از غیر نسخه [الف] در این مجموعه درج شده است با علامت ستاره (*) در پاورقی مشخص نموده‌ایم.

در پایان تشکر می‌کنم از دانشور محترم استاد حسن عاطفی کاشانی که مقدمه این دیوان را نوشته‌اند و در این اثر بنده را یاری نمودند. همین گونه از استاد محترم و درست صمیمی‌ام حجة الاسلام آقای رسول جعفریان ریاست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، صمیمانه تشکر می‌کنم که بنده را در این کار خیر تشویق فرموده‌اند. همچنین از دانشوران محترمی که در آماده سازی این مجموعه کوشش فراوان نموده‌اند.

و من الله توفیق

سید عباس رستاخیز

۱۳۹۰/۱/۲۴

مقدمه

اول هر نامه بسم الله الرحمن الرحيم ایزد قیوم دانا، واحد فرد قدیم
حسن عاطفی

با سقوط بغداد به دست هلاکوتی مغول و قتل مستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی، در سال ۶۵۶ ق بساط حکومت پانصد و بیست و چهار ساله این دودمان برچیده شد. و با فروپاشی خلافت بنی عباس، سلطه سیاسی و معنوی این دودمان بر برخی از پادشاهان و فرمانروایان سرزمین‌های ایرانی و اسلامی خاتمه یافت. به ویژه جامعه تشیع در سرزمین‌های مسکونی خود، آزادی بیشتری یافتند و بیشتر و بهتر به نشر افکار و عقاید مذهبی خویش پرداختند و در قلمرو شعر و ادب فارسی فعالیتی بیش از پیش کردند و از سده هفتم و هشتم به بعد شعرای معروفی در عرصه ادبیات تشیع برخاستند که در مدایح و مناقب پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) و ائمه اطهار داد سخن دادند و منظومه‌هایی در موضوعات دینی و اخلاقی با توجه به مذهب تشیع فراهم شد و گویندگانی چون: مولانا حسن کاشی و ابن حسام خوسفی و سلیمی تونی و آذری طوسی از گروه مداحان و منقبت‌گویان خاندان عصمت و طهارت در این دو سه قرن‌اند.

دکتر ذبیح الله صفا در پیشرفت امر منقبت‌سرایی در سده‌های ۸-۹ ق چنین می‌گوید:
... در سده‌های هشتم و نهم که مصادف با نیرو گرفتن فرقه شیعه اثنی عشری بود، به شاعران متعدد منقبت‌گوی باز می‌خوریم، چنانکه منقبت‌گویان دوران صفوی را

باید به منزلهٔ دنبال کنندگان کار آنان به حساب آوریم.^۱

هرچند که از سدهٔ ۴ ق به بعد شعرای بزرگی چون فردوسی و ناصر خسرو و کسایی مروزی را می‌شناسیم که در طریق تشیع گام برداشته‌اند و یا در سدهٔ ۵ ق، «ربیع» سرایندهٔ علی‌نامه که به سال ۴۸۲ ق اثر نفیس خود را در بحر متقارب به وزن شاهنامه فردوسی در مناقب و مغازی علی بن ابی‌طالب (ع) سروده است.

اما خلافت عباسیان که تا نیمهٔ سدهٔ ۷ ق در بغداد ادامه داشت و هر چند که در بعضی از دوره‌ها دچار بستی می‌شد، باز فرمانروایان و حکومت‌های محلی و سلاطین ایران و سرزمین‌های اسلامی با دیدهٔ تقدس و احترام بدیشان می‌نگریستند، تا جایی که بعضی از این پادشاهان، منشور ولایت از مقام خلافت می‌گرفتند. از این جهت پیروان مذهب تشیع در چنین وضعی مورد بی‌مهری فرمانروایان روزگار خود بودند و از فعالیت‌های مذهبی و عقیدتی باز می‌ماندند و همچنین از مراکز قدرت و دستگاه‌های حکومتی دوری می‌جستند. بدین علت اگر در میان آنان بزرگان و دانشمندانی بر می‌خاستند، پس از مردن نام و نشانی از آنان باقی نمی‌ماند و آثارشان با گذشت زمان محو و نابود می‌شد.

سخت‌گیری نسبت به تشیع در برخی از دوره‌ها تا به حدی بود که اگر شخصی مورد غضب سلطانی واقع می‌شد، خطرناک‌ترین اتهام می‌آن بود که او رافضی است، یعنی شیعه می‌باشد و در تاریخ نام افراد بسیاری را می‌بینیم که به اتهام رافضی بودن یا اسماعیلی و قرمطی بودن، هشتیشان بر باد رفته است، از جمله یکی از دلایل به دار آویختن حسنک وزیر بوسیلهٔ مسعود غزنوی، نسبت قرمطی دادن به حسنک است، که خلعت خلیفهٔ فاطمی مصر را گرفت و در بازگشت از سفرخانهٔ خدا به بغداد نرفت و خلیفهٔ عباسی را زیارت نکرد. اما علت نرفتن حسنک به بغداد، آن بود که در آن سال در مسیر راه مکه به بغداد، قحطی افتاده بود و حسنک از بیم هلاکت حجاج به سبب قحطی، راه دیگری را در پیش گرفت که به بغداد منتهی نمی‌شد و به مصر می‌رسید تا از خطر نابودی محفوظ بمانند.

یا سلطان محمود غزنوی که از خلیفه عباسی عنوان یمین الدولة والدین یافته بود، در حمله به ری و تصرف این شهر به قتل و غارت و ویرانی پرداخت و بزرگان و رجال آنجا را به دار آویخت، چنانکه فرخی سیستانی در قصیده‌ای با این مطلع:

ای ملک گیتی، گیتی تو راست حکم تو بر هر چه تو خواهی، رواست
می‌گوید:

ملک ری از قرمطیان بستدی میل تو اکنون به منا و مناست
دار فکرو بردی باری دویست گفתי کاین در خور خوی شماس
هر که از ایشان به هوئی کارکرد بر سر چوبی خشک اندر هواست

داستان دیگری از این قبیل سخت‌گیری‌ها و بهانه‌جویی‌ها نسبت به شیعیان که در اقلیت روزگار می‌گذرانیدند مولانا جلال الدین بلخی در مثنوی داستانی از لشکر کشی سلطان محمد خوارزم شاه به سبزوار نقل می‌کند که مردم شهر پس از شکست، از خوارزم شاه تقاضای بخشش می‌کنند. ولی او در پاسخ می‌گوید: اگر رهایی می‌خواهید، از شهر خود «ابوبکر» نامی برای من، آورید. او خود خوب می‌دانست که در آنجا ابوبکری نیست، و با این بهانه به هدف خود خواهد رسید و مردم را از دم تیغ خواهد گذرانید. به نظر می‌رسید در این شهر مسلمانی نیست. چگونگی ماجرا در مثنوی چنین آمده است:

«حکایت محمد خوارزم‌شاه که شهر سبزوار که همه را فتنی باشند به جنگ بگرفت، امان جان خواستند، گفت آن گاه امان دهم که ازین شهر پیش من به هدیه ابوبکر نامی بیاورید».

شد محمد الپ الخ خوارزم‌شاه در قتال سبزوار بی‌پناه

سپاه خوارزم عرصه را بر مردم سبزوار تنگ کرد و در صدد نابودی آنان بود. مردم شهر از خوارزم‌شاه به جان امان خواستند و گفتند ما را به غلامی بپذیر و ما را ببخش. هر خراجی که می‌خواهی می‌دهیم و افزون‌تر از آن را می‌پذیریم. خوارزم‌شاه گفت، از دست من نجات نمی‌یابید، مگر آن که از این شهر برای من ابوبکری هدیه بیاورید. مردم

جوالهای سگه وزیر برای خراج پیش سلطان بردند و گفتند از چنین شهری ابوبکری
مخواه.

کی بود بوبکر اندر سبزوار یا کلوخ خشک اندر جویبار

خوارزمشاه از قبول زر خودداری کرد و گفت خیال می‌کنید که من کودکی بیش نیستم
و قصد آن دارم که به این وسیله مرا فریب دهید. هیچ چاره‌ای جز آن نیست که ابوبکری
بیاورید. مردم مأمورانی در شهر و اطراف گماشتند، تا ابوبکری بیابند:

بعد از سه روز و سه شب کاشتاftند یک ابوبکر نسزای یافتند

ابوبکری بیمار و ناتوان که از حرکت بازمانده و از کاروان خویش جدا گشته بود، و در
حال نزع در کار کاروانسرای در مسیر راه خفته، به او گفتند برخیز که سلطان تو را طلبیده
تا شهر ما را به وجود تو از قتل و غارت در امان دارد. او گفت اگر توان رفتن می‌داشتم در
اینجا در میان دشمن نمی‌ماندم و به دوستان خود می‌پیوستم. سرانجام:

تخته مرده کشان بفراشتند برگتف بوبکر را برداشتند

و بدین گونه او را به خدمت خوارزمشاه بردند، تا با دیدن ابوبکر سبزوار و مردمش از
تهدید سلطان در امان باشد.

هرچند مولوی از این داستان نتیجه اخلاقی و عرفانی گرفته است، ولی این
سرگذشت خود نشان دهنده ظلم و جوری بود که بر اقلیت شیعه می‌رسید.

این گونه وقایع در طول تاریخ حکومت‌های غزنوی و سلجوقی و خوارزمشاهی امری
عادی بود و بیشتر گروه‌هایی که معتقداتشان با حکومت وقت همسانی نداشت، دچار
این مصیبت‌ها بودند از جمله شیعیانی که در بیشتر نقاط، اجتماعات کوچکی داشتند و در
اقلیت بودند. همچنین بازتاب‌های اسماعیلیه در روزگار سلجوقی خود در نتیجه
سختگیری‌های شاهان این دودمان به این گروه بوده است. و در نتیجه این اختلاف عقاید
بود که دانشمندان و شاعران شیعی مذهب از دیرباز از نزدیک شدن به مراکز قدرت و
دربار سلاطین ایران دوری می‌جستند و برخی هم اگر به عللی ارتباطی پیدا می‌کردند،
سرانجام این کار صورت خوشی نداشت چنانکه ناصر خسرو در ابتدای کار به دستگاه

حکومتی غزنویان (محمود و مسعود) راه یافت و سپس با تسلط سلجوقیان بر بلخ، در دربار چغری بیگ تقریب جست و به خدمت دیوانی گماشته شد. تا آن که در سال ۴۳۷ ق خوابی دید و به قول خود، ناگهان از خواب گران چهل ساله بیدار شد و ترک منصب کرد و به فعالیت‌های عقیدتی و مذهبی پرداخت. و در داستان صله دادن محمود غزنوی به فردوسی و خلاف وعده سلطان، خود ناشی از تضاد فکری و عقیدتی است که میان فردوسی و محمود وجود داشت و اطرافیان سلطان و حاسدان و بدگویان استاد طوس هم مزید بر علت بودند که سرانجام کار، پاداشی اندک نصیب شاعر شد که بدان استحمای کرد و نوشابه‌ای نوشید.

نظامی عروضی در این باره می‌گوید:

... در جمله بیست هزار درهم به فردوسی رسید، بغایت رنجور شد و به گرمابه رفت و بر آمد، ففّاعی بخورد و آن سیم میان حتمای و ففّاعی قسم فرمود.^۱

این کار موجب خشم سلطان شد و در صدد آزار او برآمد و فردوسی به هجو محمود برخاست و چنان به این امر پرداخت، که آبروی وی را بر باد داد و او را برای همیشه بد نام کرد.

ابیاتی از فردوسی در باره محمود:

مرا غمز کردند کان پر سخن	به مهر بی و علی شد کهن
گر از مهرشان من حکایت کنم	چو محمود را صد حمایت کنم
پرستار زاده نساید به کار	وگر چند باشد پدر شهریار
به نیکی نبند شاد را دستگاه	وگرنه مرا برنشاندی به گاه
چو اندر تبارش بزرگی نبود	نیارست نام بزرگان شنود

با چنین وضع در حکومت غزنوی و سلجوقی و خوارزمشاهی، آثار چندانی از شعرای شیعه مذهب سده‌های ۵ تا ۷ ق برجای نمانده است و آنچه به دست ما رسیده، جز علی نامه قصاید و قطعات و اشعاری است نه چندان، که در مناقب و مدایح پیامبر

۱. چهار مقاله. به تصحیح: علامه محمد قزوینی، به اهتمام دکتر محمد معین. چاپ پنجم ۱۳۸۳، تیران، چاپ دنیا. صص ۷۹-۸۰.

اکرم (ص) و علی (ع) و ائمه اطهار (ع) سروده شده، ولی از سده هفتم و هشتم به بعد منظومه‌هایی در اصول عقاید تشیع یا حماسه‌هایی دینی که موجود است. جنبه تاریخی نیز دارد موجود است.

یکی از قدیم‌ترین شاعران پارسی‌گوی که مذهب تشیع داشت، کسایی مروزی است که به سال ۳۴۱ ق در مرو زاده شد، بنابراین وی از شعرای سده ۴ ق و احتمالاً اوائل سده ۵ ق می‌باشد. دکتر صفا می‌گوید: «کسائی بنابر آنچه از اشارات علما و نویسندگان قدیم شیعه، و نیز از سخنان او لایح است به مذهب تشیع معتقد بوده و تشیع او از این قلمعه که به وی منسوب است به نیکی بر می‌آید:

مدحت کن و بختای کسی را که پیغمبر بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار
آن کیست بدین حال و که بودست و که باشد جز شیر خداوند جهان، حیدر کزار
این دین هدی را به مثل دایره‌ای دان پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار
علم همه عالم به علی داد پیغمبر چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار^۱
کسائی قصیده‌ای در سوگ امام حسین (ع) و واقعه کربلا با این مطلع دارد:

باد صبا در آمد، فردوس گشت صحرا و آراست بوستان را، نیسان به فرش دیبا
تا آنجا که می‌گوید:

دست از جهان بشویم، عز و شرف نجویم
مدح و غزل نگویم، مقتل کنم تقاضا
میراث مصطفی را، فرزند مرتضی را
مقتول کربلا را، تازہ کنم تولا
آن نازش محمد، پیغمبر مؤبد

ان سید مجّد، شمع و چراغ دنیا
آن شیر سر بریده، در خاک خوابیده
از آب نساچشیده، گشته اسیر غوغا